

سرقت دختر خدمتکار برای مهاجرت به اروپا

4 شهریور 1402

دختر جوان که به بهانه بردن حلیم نذری با همدستی سه سارق از خانه خانم دکتر سرقت کرده بود پس از دستگیری مدعی شد برای سفر به اروپا دست به این کار زده است.

اوایل مرداد امسال بود که خانم دکتری در تماس با پلیس از سرقت مسلحانه خانه‌اش خبر داد. زن میانسال که هنوز در شوک حادثه‌ای بود که برای او و دخترش رخ داده، گفت: داخل خانه بودیم که زنگ در به صدا درآمد. زنی از پشت در مدعی شد که حلیم نذری آورده است. من هم که از ماجرا بی‌خبر بودم، از دخترم خواستم که مقابل در برود و نذری را بگیرد.

او ادامه داد: دخترم مقابل در رفت و در این میان دختری که ظرف حلیم دستش بود و صورتش را با ماسک پوشانده بود و عینک به چشم داشت، ناگهان دخترم را به داخل هل داده و پشت سر او سه مرد مسلح نقابدار که کلت و چاقو در دست داشتند وارد خانه شدند. آنها دست و پای من و دخترم را بستند و با تهدید اسلحه رمز گاو صندوق را گرفتند. سارقان محتویات گاو صندوق که دلار، طلا و سکه به ارزش 5 میلیارد تومان بود را با خود بردند. بعد از رفتن آنها، به سختی دست و پیمان را باز کردیم.

با تماس خانم دکتر، تیمی از مأموران راهی محل شده و تحقیقات آغاز شد. در نخستین گام، کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مداربسته پرداختند اما در تمامی تصاویر و فیلم‌ها، سه مرد و زن جوان صورت‌هایشان را با نقاب پوشانده بودند.

به ظاهر سارقان خیلی حرفه‌ای سرقت‌شان را مرتکب شده بودند و هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بودند. اما این پایان ماجرا نبود و احتمالی که روی میز کارآگاهان پلیس قرار گرفت، این بود که سارقان خشن از همان حوالی حلیم خریداری کرده‌اند.

با این فرضیه مأموران به سراغ حلیم فروشی‌های اطراف رفته و به تحقیق پرداختند. در نهایت یکی از حلیم فروشی‌ها سرنخی به مأموران داد و در بازبینی دوربین‌های مغازه تصویر زن جوان و سه مرد همدستش به دست آمد. در فیلم زن جوان بدون ماسک خرید را انجام داده بود بدین ترتیب تصویر زن جوان از روی فیلم برداشته شد و زمانی که به خانم دکتر و دخترش نشان داده شد، خانم دکتر گفت: چشم و ابروهای زن جوان خیلی شبیه چشم‌های خدمتکاری است که سال گذشته در خانه‌ام کار می‌کرد.

چشم‌هایش را به خاطر رنگ خاصی که داشت، هرگز نتوانستم فراموش کنم. تصور می‌کنم این تصویر رکسانا باشد، البته این خانم بینی و صورتش را عمل کرده است.

با اطلاعاتی که خانم دکتر در اختیار مأموران قرار داد، رکسانا به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد. زمانی که مأموران به تحقیق از او پرداختند، زن جوان ابتدا منکر سرقت بود اما در نهایت لب به اعتراف گشود و سه همدست دیگرش را معرفی کرد. با اعتراف زن جوان، در عملیاتی پلیسی سه همدست او دستگیر شده و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.



گفت‌وگو با زن سارق

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

می خواستم پولدار شوم و بتوانم از ایران بروم تا در یک کشور اروپایی تحصیل کنم. من در فقر بزرگ شدم اما رویایم زندگی و تحصیل در اروپا بود. من در ریاضیات نابغه بودم و در المپیاد مقام آورده‌ام به همین دلیل آرزو داشتم که در خارج درس بخوانم و در آنجا زندگی کنم.

تحصیل در خارج چه ربطی با سرقت دارد؟

برای خارج رفتن کلی پول می‌خواستم و من نه تنها خرج و مخارج خودم بلکه خرج و مخارج خواهر و برادرهایم را که بعد از مرگ مادرم با من زندگی می‌کردند باید پرداخت می‌کردم. من از بچگی کار کردم از آدامس فروشی گرفته تا گدایی و... حالا هم که کار در خانه‌های مردم. همه اینها باعث شد به این فکر کنم که یک شبه پول به دست بیاورم تا بتوانم به رویاهایم برسم.

همدستانت را از کجا پیدا کردی؟

با بهنام در اینستاگرام آشنا شدم، او در صفحه‌اش در رابطه با مهاجرت مطالبی را نوشته بود. من هم که فکر می‌کردم با کمک او می‌توانم به آرزوهای بزرگم برسم، به او پیام دادم. اما این پیام بهانه‌ای شد تا رابطه ما روز به روز بیشتر شود تا اینکه در نهایت قرار شد با هم ازدواج کنیم و بعد به صورت غیر قانونی از ایران خارج شویم. اما مهاجرت غیر قانونی ریسک داشت و در نهایت نظرم را تغییر دادیم و گفتیم پول به دست می‌آوریم و قانونی می‌رویم. در فکر پولدار شدن بودیم که بهنام گفت تو در خانه پولدارها و ثروتمندان کار می‌کنی بیا از خانه آنها سرقت کنیم. به همین دلیل از دو نفر از دوستان بهنام کمک گرفتیم.